

فقر کرمان در ادبیات کودک نابخشودنی است

۱۸ تیر به عنوان روز رسمی ادبیات کودک و نوجوان در کشور اعلام شده است.



روزی که مقرر است با روز درگذشت مهدی آذربیدی نویسنده و بازیگر خوب کشورمان در سال ۱۳۸۸. اکنون پرسش این است: ما به مناسبت این روز چه کنیم؟ به کدام داشته‌ها یا برنامه‌های پیش روی مان نیازیم؟

نیاید از واقعیتها فرار کرد. کرمان در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بسیار فقیر است و این فقر نابخشودنی است.

جایگاه هوشنگ مرادی کرمانی را به رخ نکشید و از کتابهای بی‌شمار افسانه شعبان‌نژاد نگویید که خود بدان واقف و حرمت محمد علی آزادخواه را هم پاس می‌دارم. عرض من مربوط به شهر کرمان است که شاعران و نویسندگانش هیچ تعلق خاطری به ادبیات کودک نشان نمی‌دهند و سازمان‌ها و نهادهای متولی امور فرهنگی آن نیز به همین شکل.

اگر از من که در حال حاضر بیش از ۱۰ سال است که حوزه فرهنگ و ادب این شهر را به عنوان روزنامه نگار رصد می‌کنم، بپرسند کدام اتفاق شاخص در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را سراغ داری؟ پاسخ می‌دهم: هیچ.

اگر کسی پاسخ دیگری دارد بگوید تا من هم پاسخ خود را اصلاح کنم.

بباید از زاویه ای دیگر نگاه کنیم؛ فرض کنید می‌خواهیم در کتابفروشی‌های شهر چرخ بزنیم، مطمئن باشید قفسه کتاب کودک و نوجوان هم‌شان خالی و عاری از آثار خوب است. اگر هم چند جلد کتاب پیدا کنید، چنگی به دل نمی‌زند. بیل هیچ‌کدام‌شان در این قفسه باری بر نمی‌دارد. همان کتاب‌های مرادی کرمانی و شعبان‌نژاد و آزادی خواه هم به ندرت یافت می‌شود.

این در حالی است که علی‌رغم وضعیت نه چندان مطلوب بخش و نشر کتاب، اکنون حوزه تالیف و ترجمه و نشر و پخش کتاب کودک و نوجوان یکی از بهترین بازارهای کتاب در کشور است.

کانون پرورش، نشر هوپا و بسیاری دیگر از انتشاراتی‌های قدیم و جدید حوزه ادبیات کودک در دو دهه اخیر کتاب‌های بسیار قابل توجهی را منتشر کرده‌اند اما توی کوی کتابفروشی‌های کرمان از این چرخه مستثنا هستند و اصولاً در این حوزه کار نمی‌کنند.

نمی‌خواهم گناه را به گردن کتابفروشی‌ها بیندازم، اما می‌خواهم نتیجه بگیرم عموم شهروندان کرمان اصولاً رغبتی به این حوزه ندارند.

از خیر جامعه نویسندگان می‌گذرم که تعلق خاطری به ادبیات حوزه کودک و نوجوان نشان ندهند. - اگرچه نمی‌توانم درک کنم چگونه ممکن است کسی که به کتاب سرو کار دارد، کتاب‌هایی مثل «آلیس در سرزمین عجایب»، «سازده کوچولو»، «نار رولد دال» و ... را خوانده باشد، که اگر خوانده باشد دیگر فرقی بین این آثار با بهترین آثار ادبی جهان نخواهد گذاشت و شیفته کودکی ادبیات خواهد شد. اما از بقیه شهروندان کرمانی در عجبم که چگونه به فکر پرورش کودکان خود نیستند؟

آیا آنها نمی‌دانند کودکی که یکی از وجود متمایز قرن گذشته، خلق ادبیات برای کودکان و نوجوانان بود و اگر هر پیشرفتی در هر جامعه‌ای حاصل شد یکی از مهمترین دلایلش کودکانی بودند که ذهن و ضمیرشان به عطر شعر و داستان‌های قابل فهم آغشته شد و کردند آنچه در بزرگسالی کردند.

در پایان این یادداشت خالی از لطف نمی‌بینم تا از هنرمند بزرگی که در مسیر خلاقیت خود به کودکان پرداخت بادی بکنم و او کسی نیست جز زنده یاد عباس کیارستمی که این روزها سالروز درگذشت او است.

عباس کیارستمی بعد از آنکه فیلم «زنگ تفریح» را در ژانر سینمای کودک در سال ۱۳۵۱ به اکران در آورد و در سال ۱۳۵۳ فیلم «مسافر» را در ژانر سینمای نوجوان ساخت، دیگر هیچگاه از جاذبه کار برای کودکان رها نشد و متق شب و خانه دوست کجاست را با همین رویکرد مهربانانه به کودکان به عنوان ۲ شاهکار از خود به یادگار گذاشت.

گروه فرهنگ و هنر - شنبه گذشته مورخ ۱۱ تیرماه جاری سی و سومین جلسه نشست «یک مولف یک کتاب» برای نقد و بررسی سومین مجموعه شعر شهرام پارسا مطلق با عنوان «کارگران مشغول بیکاری اند» تشکیل شد. در این نشست، مجید رفعتی به عنوان منتقد مهمان به ارائه نظرات خود پرداخت.

شعر مدرن متأثر از زبان‌شناسی است

رفعتی با بیان این مقدمه که بوطیقای شعر مدرن در قرن بیستم متأثر از زبان‌شناسی است سخنان خود را آغاز نمود. او گفت: در قرن بیستم زبان اهمیت ویژه‌ای یافت و زبان‌شناسی مدرن هم به تبعیت از علوم دیگر با زبان به مثابه موضوع شناسایی برخورد کرد و سعی کرد آن را تشریح کند.

این شاعر ادامه داد: در مجموع زبان‌شناسی مدرن، زبان را دستگامی تعریف کرد که از یک سری نشانه‌های آوایی قراردادی تشکیل شده است و در ۳ بخش: «صوتی یا آواشناسی»، «رابطه ادراکی جهان بیرون و جهان انسانی یا معناشناسی» و «وجه فرمال و صوری زبان» قابل تفکیک است.

مجدد رفعتی با تأکید بر تصویری که زبان‌شناسی قرن بیستی از زبان ارائه می‌دهد، اظهار داشت: وقتی به این تصویر نگاه می‌کنیم، چیزی به عنوان جهان‌شناسی و هستی‌شناسی در آن نمی‌بینیم. در این تصویر، فون انسانی و معنا کم رنگ می‌شود و آنچه پررنگ می‌شود وجه صوری و ساختاری زبان است. او در ادامه سخنان خود تصویر کلی قرن بیستی از زبان را برآمده از کار «فردینان دو سوسور» دانست و توضیح داد: از نظر سوسور، زبان تنها رابطی بین دال و مدلول است؛ سوسور از دال به عنوان اثر صوت انسانی و از مدلول به عنوان مفهومی یاد می‌کند که ارجاعی به جهان خارج ندارد.

این استاد دانشگاه گفت: از این منظر نشانه زبانی نه یک نام و یک شی، بلکه یک مفهوم و یک تصور صوتی را به هم پیوند می‌دهد و زبان‌شناسی زیر مجموعه نشانه‌شناسی و نشانه‌شناسی هم زیر مجموعه روانشناسی است. یعنی همه چیز زیر روان انسانی قرار می‌گیرد. او با تأکید بر بوطیقای غالب شعرشناسی در قرن بیستم، ادامه داد: در نگاه سوسور واژگان هیچ حقیقت هستی‌شناسی ندارند و هویت خود را از تمایزشان با هم می‌گیرند، مثلاً «درخت» در زبان‌شناسی از این جهت مهم است که «سرخ» یا «پروخت» نیست یعنی می‌توان نتیجه گرفت که زبان محصور در ذهن است و ارتباطش با جهان بیرون قطع است.

ساختارگرایی زمینه‌ی تاریخی و مولف را حذف کرد

شاعر «همه چیز عادی است» یا اشاره به ساختارگرایی اظهار داشت: این نحله‌ی فکری در ادامه‌ی زبان‌شناسی به عنوان یک نحله‌ی فکری مسلط در می‌آید و پیشنهادات زبان‌شناسی را در بقیه‌ی امور فرهنگی و اجتماعی... نیز به کار می‌گیرد و از این طریق زبان به عنوان روش در دیگر حوزه‌های نظری نیز تأثیر می‌گذارد.

او بر «حذف زمینه‌ی تاریخی» و «حذف انسان که از آن به مرگ مولف تعبیر شد» به عنوان ۲ شاخصه‌ی اصلی ساختارگرایی یاد می‌کند که بر نگرش ادبی قرن بیستم تأثیر گذاشته و سبب قطع ارتباط هستی‌شناسانه متن ادبی با جهان بیرون و جهان انسانی گردیده است. در این مسیر اثر هنری نیز همان سرنوشتی را پیدا می‌کند که زبان در متن ادبی.

مجدد رفعتی در این بخش از سخنان خود به فرمالیست‌های روس به عنوان یک جریان اشاره کرد و اظهار داشت: «فرمالیست‌های روس علیرغم تفاوت‌ها و اختلاف نظرهایی که با هم دارند اما سرجمع اثر ادبی

همانطور که زبان‌شناسی می‌گوید زبان فرم است و دیگر هیچ؛ فرمالیست‌های روس هم می‌گویند: شعر فرم است و دیگر هیچ. به نظر فرمالیست‌ها یک سری شگردها و تکنیک‌ها که عمدتاً از آن به عنوان شگردهای آشنایی زبانی یاد می‌کنند اهمیت بسزایی دارد

را نظامی از نشانه‌ها تلقی می‌کنند و در همان پارادایم زبان‌شناسی قرن بیستم باقی می‌مانند. همانطور که زبان‌شناسی می‌گوید زبان فرم است و دیگر هیچ؛ فرمالیست‌های روس هم می‌گویند: شعر فرم است و دیگر هیچ. به نظر فرمالیست‌ها یک سری شگردها و تکنیک‌ها که عمدتاً از آن به عنوان شگردهای آشنایی زبانی یاد می‌کنند اهمیت بسزایی دارد و شعر از نظرشان یک فرم تکنیکال است.

او با توضیح این نکته که نگرش زبان‌شناسانه و فرمالیستی و ساختارگرایی هم جهت با نگرش علمی است ادامه داد: به عنوان مثال یک سنگ شناس هم سنگ را به ما هو سنگ موضوع شناسایی و آنالیز قرار می‌دهد و مشکلی هم پیش نمی‌آید.

چالش وقتی است که زبان موضوع علمی شود

رفعتی چالش را وقتی دانست

که زبان از وجوه هستی‌شناسانه خود جدا شود و روی میز تشریح قرار گیرد.

او اظهار داشت: فرمالیست‌ها به صراحت می‌گویند که می‌خواهند از نظریه ادبی علم بسازند و زبان را تبدیل به ابژه‌ی علمی کنند و در این مسیر، فرم که روزگاری برای سرتکونی اسطوره‌ای به نام معنای ارجاعی در شعر قد علم کرده بود، خودش تبدیل به یک اسطوره شد. آونگ بل والری بین زبان و جهان در نوسان نیست

این منتقد در این بخش از سخن خود از استعاره آونگ بلوالری، شاعر معتدللگرای قرن بیستم مبنی بر اینکه: شعر یک آونگ است که بین صدا و معنا در حرکت است، یاد کرد و افزود: از این منظر هم که متأثر از زبان‌شناسی سوسوری است نوسانی که در شعر صورت می‌گیرد بین زبان و معنا و در محدوده‌ی ذهن آدمی است و بین زبان و جهان نیست.

او ادامه داد: با کمک از استعاره آونگ می‌توان ۲ جریان شعری را هم مشخص کرد: شعرهایی که بیشتر معنا را مد نظر دارند و شعرهای صدا یا فرمالیستی یعنی آن دسته از شعرها که در گسست زبان از جهان خلق می‌شوند که نگاه مسلط قرن بیستی را تشکیل و مدام رابطی قطع شده‌ی دال و مدلول را توضیح می‌دهند.

این شاعر در این قسمت از بیان خود این چند سطر از شعر محمد آزرم را به عنوان نمونه‌ای از یک شعر فرمالیستی خواند: در گوشه‌هایی که خطها مقدورش نمی‌کند / مشابهی استفاده می‌شود / برخی به اشاره برخی ممکن / در طرخی به اختلاف بزند گرچه اینجا باید مصرف کند/ ...

او اظهار داشت: این شعر قابل فهم نیست چون بر صدا و فرم محض حرکت دارد؛ به اعتقاد من این شعر در چهره‌های ارجاع به بیرون را بسته و بر اساس جدایی ذهن از عین است که در فلسفه دکارتی از آن یاد می‌کنیم. بین اندیشه‌ی انسانی و جهان، انفکاک به وجود می‌آید و به گمان من شعر مدرن هم در بن بست گرفتار است.

شعر از درون زبان سروده می‌شود

رفعتی در این بخش از گفتار خود به تصویری که ارائه داد اشاره کرد و گفت: اعتقاد دارم که هم شعر صدا و هم شعر معنا هر دو بنیاد فلسفی مشترک دارند و هر دو از دل زبان‌شناسی مذکور بیرون می‌آیند. اما آیا زبان صرفاً همین است؟

او افزود: من در پاسخ به این پرسش می‌خواهم پارادایم دیگری از زبان را ارائه کنم و یک نگاهی را معرفی کنم که در آن زبان، موضوع علم نیست؛ من اعتقاد دارم شعر

در سی و سومین نشست یک مولف یک کتاب «کارگران مشغول بیکاری اند» بررسی شد

انسان در شعر سکونت دارد

• زبان به خاطر هستی خود نمی‌تواند از فضا مندی طفره برود

• تعریف جامع و مانع از شعر معاصر ممکن نیست



دستم را نمی‌گرفتند» از مجموعه «کارگران مشغول بیکاری اند» به شاعر این مجموعه پیشنهاد داد: کارهای بعدی به جای رفتن توامان به سمت صدا و معنا، تعلق توامان را سراغ بگیرد که در همین کتاب هم نمونه‌هایی دارد. او به عنوان نمونه این شعر را خواند:

شعر به تعویق انداختن معنا با فرم است

در بخش پایانی سی و سومین نشست یک مولف یک کتاب از شهرام پارسا مطلق دعوت شد تا اگر صحبتی دارد مطرح کند و سپس شعر بخواند.

او در ابتدای سخن خود لازم دانست مختصری از نگاه خودش را به مقوله‌ای به نام شعر آزاد بیان کند و گفت: به باور من مفهومی به عنوان شعر آزاد، یک مفهوم چند بعدی، پلورال و متکثر است و به همین دلیل است که یک تعریف جامع و مانع از آن ممکن نبوده و غیرقابل تعین است و به ناچار ما برداشت‌ها و تعبیر خودمان را راجع به این مفاهیم ارائه می‌دهیم. از این منظر من فکر می‌کنم که شعر به تعویق انداختن معنا به توسط فرم است.

شاعر «اسکیزکلمات» ادامه داد: شعر آزاد اکنون با ۲ آفت مواجه است، یک آنکه گاهی وقت‌ها طول این تعویق آنقدر زیاد شده که به هذیان گویی رسید. دوم، گاهی وقتها هم طول این تعویق تا حدی کوتاه شده که به زبان و سطرهای روزمره نزدیک شده و عدای از آن به ساده نویسی تعبیر کرده‌اند.

شاعر مجموعه «روشنایی نمناک کبریت» با اشاره‌ی مجدد به مفهوم چند بعدی، نسبی و کیفی شعر بیان داشت: خویش ما به شعر در نگاه بین، نگاه ما را بازمی‌نماید؛ در نگاه من شعر آزاد بر «تخیل»، «تصویر»، «کشف» و «پنجاز» بنا نهاده شده است و بنابراین با این دیدگاه سراغ شعر آزاد رفته و دغدغه‌ام این بوده که یک شعر تا چه اندازه چیزی به شعر معاصر اضافه کرده است.

این مدخل شعر باید مو بر تن آدم سیخ کند. دوم اینکه، واژه‌ها همان چیزها باشند. مجید رفعتی معتقد است: زبان به خاطر هستی خود نمی‌تواند از فضا مندی طفره برود اما شعر علاوه بر فضا مندی از ۲ وجه «آشکار» کندگی و در کار نشانندن حقیقت» و «تن یافتگی دادن به کلمات شعر» ساخته می‌شود.

او این نکته را طرح کرد که بوطیقای ادبی مورد نظرش، شعر را به عنوان یک امر هستی‌شناسانه نگاه می‌کند که نه تنها «معنای عملکردی» یا «فرم زیبا شناختی» بلکه هر دو را به تعویق می‌اندازد. به اعتقاد این استاد معماری، شعر نه زبان عبارت است نه زبان اشارت بلکه زبان اقامت است و فضایی درست می‌کند برای سکنی گزیدن ما. او معتقد است: این نگاه به شعر هر دو سوی آونگ بل والری را به تعویق می‌اندازد.

شعر پارسا مطلق از معنا گرای به سمت تعادل حرکت دارد

مجدد رفعتی در بخش پایانی سخن خود و با اشاره به نظراتی که بیان داشت، گفت: شعر شهرام پارسا مطلق به معنا گرای تعلق بیشتری

شعر آزاد اکنون با ۲ آفت مواجه است، یک آنکه گاهی وقت‌ها طول این تعویق آنقدر زیاد شده که به هذیان گویی رسید. و دوم، گاهی وقتها هم طول این تعویق تا حدی کوتاه شده که به زبان و سطرهای روزمره نزدیک شده و عدای از آن به ساده نویسی تعبیر کرده‌اند

شعر آزاد اکنون با ۲ آفت مواجه است، یک آنکه گاهی وقت‌ها طول این تعویق آنقدر زیاد شده که به هذیان گویی رسید. و دوم، گاهی وقتها هم طول این تعویق تا حدی کوتاه شده که به زبان و سطرهای روزمره نزدیک شده و عدای از آن به ساده نویسی تعبیر کرده‌اند

دارد اگر چه خیلی زود به نقطه‌ی تعادل می‌رسد و به زعم من شاعری که معنای جهان را دریافته باشد روشن است که نمی‌تواند به صدای کلمات قناعت کند.

رفعتی با خواندن این شعر «باید به گلوله سر می‌زدم / اگر کلمات

از درون زبان گفته می‌شود، ما در احاطه‌ی زبان هستیم و وقتی ما در درون چیزی هستیم نمی‌توانیم آن را به عنوان سوزی علم و شناسایی قرار بدهیم.

جهان در زبان آشکار می‌شود

این استاد دانشگاه با یادآوری این نکته که یک نگاه دیگر هم به زبان وجود دارد که زبان را امری هستی‌شناسانه تلقی می‌کند، به نظرات هایدگر در مجموعه مقالاتش درباره هولدرلین اشاره کرد و گفت: از نظر این فیلسوف آلمانی: تنها آنجا که زبان هست جهان وجود دارد یعنی هیچ نقطه‌ی غیر زبانی در جهان وجود ندارد. در اینجا از اینکه زبان ابزاری برای آشکار است خبری نیست در این دیدگاه زبان یک فضایی است که ما به عنوان انسان در آن درک و فکر و زندگی می‌کنیم و در این فضا است که جهان بر ما گشوده می‌شود. یعنی در این پارادایم، زبان محل آشکارگی جهان است جهان در زبان آشکار می‌شود و بحث، بحث هستی‌شناسی است

و روانشناسانه نیست. در چنین نگاهی آشکارگی عالم، ذاتی زبان است و به تبع آن ذاتی شعر هم هست یعنی شعر خصلت و ماهیت خود را از اینجا به دست می‌آورد که چیزی را آشکار کند، برده از چیزی بردارد، چیزی را رسوا کند. در این نگاه حقیقت جای زیبایی را می‌گیرد در این نگاه، شعر صرفاً یک فرم نیست که با استفاده از مجموعه‌ای از تکنیک‌ها تبدیل به یک امر زیبا شده باشد بلکه فضایی است که حقیقت در آن آشکار می‌شود. البته می‌خواهم به بوطیقای دیگری برسم

که زیبایی شناختی نیست و در کار نشانندن حقیقت است و از این منظر که زبان آشکار کننده‌ی حقیقت است و ما هیچ نقطه‌ی غیر زبانی نداریم و زبان یک ابژه نیست. او با وام گرفتن تعبیر «تن بنیادی» از مریلوپوتنی بیان داشت: تن بنیادی به دو وجه اشاره دارد، یک اینکه شعر فضایی ایجاد کند که ما را در بر بگیرد یعنی علاوه بر ذهن، تن هم در این تجربه به عنوان فاعل شناسا دخیل شود و از

چهارمین دوره جشنواره شعر آزاد بردسیر ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه برگزار می‌شود

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان بردسیر: چهارمین دوره جشنواره شعر آزاد بردسیر ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه برگزار می‌شود

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان بردسیر:

چهارمین دوره جشنواره شعر آزاد بردسیر

۱۷ و ۱۸ شهریور ماه برگزار می‌شود

طبق روال سه سال گذشته اسامیل نیز با تشکیل کمیته تخصصی سعی داریم از ظرفیت مشورتی خود شاعران استفاده کنیم.

رضا زاده دبیر کمیته تخصصی چهارمین جشنواره شعر آزاد بردسیر را مهدی صمدانی معرفی می‌کند و بیان می‌دارد: حسین سبزه صادقی، رضا شمس، محسن کاشانی، مهدی گنجی، حمید احمدی و منوچهر افضل نیز به عنوان یک جمع مشورتی اعضای این کمیته تخصصی را تشکیل می‌دهند.

جامعه شعری کرمان رقم بزند. رضا رضا زاده اظهار می‌دارد: این جشنواره در دو بخش شعر کلاسیک و شعر نو با هدف کشف و معرفی استعدادهای ادبی استان برگزار خواهد شد و در این مسیر با کمک خود جامعه شعری کرمان بر این نکته تأکید داریم که بستر مناسبی را برای انتقال تجارب شاعران پیشگوست به نسل جوان فراهم کنیم.

رئیس ارشاد بردسیر همچنین از تشکیل کمیته تخصصی این جشنواره نیز خبر می‌دهد و می‌گوید:

شاعران استان کرمان را به رقابتی جدی در عرصه شعر وادار می‌کند. اسامیل نیز چهارمین جشنواره شعر آزاد استان کرمان روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۷ و ۱۸ شهریورماه برگزار خواهد شد.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان بردسیر در همین خصوص به استقامت می‌گوید: جشنواره شعر آزاد بردسیر این ظرفیت را دارد که همه ساله با مشارکت بیش از ۲۰۰ شاعر برگزار شود و یک ضیافت واقعی را در



گروه فرهنگ و هنر - گاهی اوقات در استان ما هم اتفاقات خوب ادبی رخ می‌دهد؛ اتفاقی که حداقل در جنوب کشور کمتر اتفاق افتاده است. یکی از این اتفاقات بزرگ فرهنگی، جشنواره شعر آزاد کرمان است که هر ساله در شهرستان بردسیر برگزار می‌شود و تمام

۲۱ تیر ماه در تالار ایرج

بسطامی اجرا می‌شود

سه تار نوازی شمس

گروه فرهنگ و هنر - گروه «سه تار نوازان شمس» با نواختن قطعات ساخته شده‌ی سید فواد توحیدی روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه جاری به اجرا زنده‌ی موسیقی خواهد پرداخت. در کنسرت پنجشنبه شب، گروه «سه تار نوازان شمس» به سرپرستی وحید زینلی زاده را، سید علی جعفری از آوازش همراهی خواهد کرد؛ همچنین دیگر اعضای گروه که سه تار نوازان این برنامه خواهند بود عبارتند از: خانم‌ها: فاطمه درانی، مریم بهرام پور و آقایان: وحید زینلی زاده، علی آسوززاده، امیرسالار صحرانیان، امیرمحمد ایرتمش، محمدامیر پورعبدهایی، ایمان شجاعی، امیرحسین دولت آبادی، سیدهمام توحیدی، آرین کمداری موسیقی می‌توانند پس از خرید بلیط کنسرت گروه «سه تار نوازان شمس»، ساعت ۸:۳۰ پنج شنبه شب در تالار بسطامی حاضر شوند.

شاعر گرامی
جناب آقای مهدی گنجی

ما را در غم از دست دادن خواهر زاده عزیزتان هنرمند زنده یاد، دانیال نوروز ماهانی شریک بدانید

محمد حسن اسفندیار پور - منوچهر افضلی
حمید احمدی - پرویز بیگی حبیب آبادی
شهبان خسروی نژاد - زرا رودینی
کیمیا سعیدی - رضا شمس
مهدی صمدانی - حسین سبزه صادقی
محسن کاشانی - آرزو کبیری نیا
مزه ملازاده - علی ملازاده
مژگان ریسنی - سعید گنجی
کاظم یار احمدی